

شهروند الکترونی در عصر اطلاعات*

نویسندگان: میترا دیلمقانی؛ رضا ثانی

چکیده:

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، چهره سنتی جامعه را دگرگون می‌سازد و آزادی‌های فردی شهروندان را توسعه می‌بخشد. دسترسی وسیع و سریع به اطلاعات، حقوق و امتیازات جدیدی را پیش روی شهروندان می‌گشاید، که در عین فواید بسیار، پاره‌ای از مشکلات را نیز به همراه خواهد داشت. در چنین جامعه‌ای مفهوم شهروند سنتی به شهروند الکترونی مبدل خواهد شد. لذا حکومت‌ها و دولت‌ها با چالش جدیدی مواجه می‌شوند. این مقاله ابتدا به بررسی تحول رابطه فرد و حکومت در عصر ارتباطات و اطلاعات پرداخته و پس از توصیف جامعه اطلاعاتی و ویژگی‌های شهروند الکترونی در حکومت الکترونی، به تعاملات آنها می‌پردازد.

مقدمه

به نظر اکتاویو پاز Octaveo Paz هر اتاق مرکز جهان است. در واقع پاز به قلمروی مجازی اشاره دارد که در آن نظمی شبکه محور حاکم است. در چنین فضایی:

- قدرت غیرمتمرکز و چند لایه است؛

- سطح دسترسی کاربران به منابع طبقه بندی شده محول می شود؛

- قلمرو دانش به شدت رسوخ پذیر است.

با نگاهی به تاریخ در می یابیم که اندیشه سیاسی پس از تولد در یونان باستان همواره دغدغه تنظیم نسبت بین فرد و حکومت را داشته است. از افلاطون و هگل و هابز که رأی به برتری حکومت دادند تا روسو و لاک و میل که انسان را رب النوع عالم می دانستند، همه نشانگر جست و جوی ذهن اندیشمندان علوم سیاسی در این زمینه است. حال دنیای جدیدی پیش روی است. فناوری اطلاعات، بالقوه معماری نوینی از رابطه فرد و حکومت را ارائه می دهد. فناوری اطلاعات سطوح دسترسی انسان را افزایش می دهد و عملاً حوزه آزادی های فردی شهروندان را توسعه می دهد و مفهوم «شهروند سنتی» را به «شهروند الکترونی» مبدل می سازد. از سوی دیگر

اقتدار حکومت بر شهروندان را محدود می سازد. از این رو نهاد حکومت چاره ای جز توزیع اختیارات و کاهش حجم خود نخواهد داشت. چرا که در غیر این صورت کارایی این نهاد در دنیای به هم پیوسته، روز به روز کاهش می یابد. در واقع دولت الکترونی افق دیجیتالی چنین حکومتی است. طبیعی است که دموکراسی به عنوان یک آرمان اجتماعی ارزشمند همچنان تداوم خواهد داشت. اما در چارچوبی نوین که فناوری اطلاعات آن را بسط داده است. در این فضای نو، دموکراسی الکترونی به عنوان واسطی نرم افزاری، ساختار و نوع تعاملات میان شهروند و حکومت الکترونی را شکل خواهد داد.

فناوری اطلاعات می تواند فاصله سنتی میان حکومت و شهروند را کاهش دهد و به این ترتیب امکان انتقال سریع خواسته ها و مطالبات اجتماعی شهروندان را به حاکمان فراهم سازد؛ رویارویی که نه افلاطون می توانست آن را تصور کند، نه هگل و نه لاک.

امروزه دسترسی به حجم وسیع اطلاعاتی و برخورداری از امکانات و ابزارهای نوین فناوری ارتباطی، افق جدیدی را پیش روی دولت ها و مردم گشوده است. دسترسی به این حجم وسیع اطلاعات به عنوان یک امتیاز خاص در عصر اطلاعات و در واقع عامل تفکیک این دوره از

■ فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی، چهره سنتی جامعه را دگرگون می سازد و آزادی های فردی شهروندان را توسعه می بخشد.

■ با نگاهی به تاریخ در می یابیم که اندیشه سیاسی پس از تولد در یونان باستان همواره دغدغه تنظیم نسبت بین فرد و حکومت را داشته است.

دوره های قبل است. این امتیاز به همراه خود دستاوردهای مهمی را به جامعه بشری تقدیم می کند که تا به حال به عنوان یک رویا و تنها در داستان های تخیلی قابل تصور بوده است. اما امروز این امر ممکن است. موجی که جهان امروز با آن مواجه است، موج جهانی شدن است. واژه «جهانی شدن» نخستین بار در اوایل دهه ۶۰ میلادی وارد ادبیات روابط بین الملل شد. نشریه Spectator در نوامبر ۱۹۶۲، از جهانی شدن به عنوان پدیده ای گیج کننده تعبیر کرد، با این وجود جهانی شدن به مثابه جریانی قوی در عرصه جهانی از اوایل دهه ۹۰ موضوعیت طرح یافته است.

با تسریع پیشرفت های تکنولوژیک در عرصه ارتباطات مبتنی بر فناوری اطلاعات، تابع زمان و مکان در انتهای هزاره دوم از هم گسست و این امر باعث شد که جهان به صورت دهکده کوچکی . که اطلاعات دیجیتال به مثابه شریان های حیاتی آن محسوب می شدند. بازسازی شود.

به این ترتیب تر همبستگی متقابل بشریت، تقویت شده و برخی نظریه پردازان از جهانی شدن به عنوان ساخت جهانی به هم پیوسته، برای مردمی با سرنوشتی مشترک یاد کردند. در این راستا، جهانی شدن، اقتصاد، سیاست، حکومت و... را تحت الشعاع خود قرار می دهد.

به تعبیر مک ایوان، آ روند جهانی شدن اقتصاد، حرکت به سوی توسعه و توزیع گسترده، آزاد و بین المللی وابسته، بدون حد و مرز روابط و مبادلات تجاری و اقتصادی است.

پل کروگمن که از دانشمندان برجسته اقتصاد کلان است، جهانی شدن اقتصاد را همچون یک اقبال و به عنوان گشایش گستره بازارهای ملی به روی تجارت بین الملل تعریف می کند، گشایشی که تمام قدرت و فشارهای ساختاری خود را در جهت اتحاد و ادغام تنگاتنگ و بی نظیر بازارهای جهانی به کار می گیرد.

به قول فاینانشیال تایمز بانکداری نسبت به عوامل محدود کننده ای چون زمان، مکان و پول به سرعت بی تفاوت می شود. خریدار انگلیسی می تواند با عابر بانک در هنگ کنگ از حساب خود در نیویورک برداشت کند و سرمایه گذار ژاپنی می تواند سهامی را از بانکی اسکانیدیناویایی مستقر در لندن که سهامش به استرلینگ، دلار، مارک و فرانک است، بخرد.

پدیده دیگر، آزادی گردش سرمایه است که منجر به کاهش شدید

تصدی دولتی است که در واقع همان مفهوم دولت حداقل است. جریان آزاد گردش سرمایه به مدد تجارت الکترونی فرآیند تشکیل دولت - شهرهای کلان، نظیر سنگاپور و هنگ کنگ را تسریع بخشیده است. ساسکیا ساسن^۲ کارکرد این کلان شهرها را این گونه توصیف می کند:

۱. مرکز بسیار متمرکز فرماندهی و اتصال با اقتصادی جهانی
 ۲. مکان کلیدی برای تأمین سرمایه شرکت های خدماتی تخصصی سطح بالا
 ۳. محیط نوآوری در صنایع بالا
 ۴. بازار مهم عرضه محصولات و فناوری
- از اثرات دیگر تمرکززدایی از فرآیند تحقیق و توسعه (RD)، تفکیک منحصربه فرد زمان و مکان است و نقش تکنولوژی اطلاعات در آن انکارناپذیر است. فناوری اطلاعات این امکان را برای شرکت های فراملیتی فراهم می سازد که با متمرکزسازی مدیریت در کلان شهرها، به فرماندهی فرآیند تفکیک یافته تولید بپردازند و جهانی شدن اقتصاد را کامل کنند.

از سویی گسترش پاره ای جرایم بین المللی، مشکلات زیست محیطی و سایر مسائل واگیردار منطقه ای و فرامنطقه ای، باعث افزایش همگرایی های منطقه ای شده است، چرا که امروزه دیگر هیچ کشوری به تنهایی توان مقابله با این معضلات فراگیر را ندارد. دیوید هلد^۳ معتقد به گسترش الگوی لیبرال دموکراسی در سطح جهانی است. از نظر او جهانی شدن، محصول مدرنیته است. این نوع نگرش، هلد را ناگزیر از اعلام زوال دولت - ملت و تشکیل دولتی جهانی و نظام تک قطبی می کند. هلد در تحلیل خود از دولت - ملت به استقرار حکومتی جهانی به جای دولت ملی می رسد.

مراحلی که وی طرح می کند عبارت است از:

۱. افزایش روابط اقتصادی و فرهنگی که منجر به کاهش قدرت و کارایی حکومت ها در سطح دولت - ملت می شود. حکومت ها دیگر کنترلی بر نفوذ ایده ها و اقلام اقتصادی ورای مرزهای خود ندارند و از این روی ابزارهای سیاست داخلی شان، کارایی خود را از دست می دهد.

۲. قدرت دولت باز هم کاهش می یابد. زیرا فرآیندهای فراملی هم از لحاظ وسعت و هم از لحاظ تعداد افزایش می یابند.

۳. اغلب حوزه های سنتی مسؤولیت دولت، مانند دفاع، ارتباطات و مدیریت اقتصادی باید متناسب با اصول بین الملل یا میان - حکومتی هماهنگ شود.

۴. دولت ها ناگزیرند که حاکمیت خود را در

قالب واحدهای سیاسی بزرگ تر محدود کنند.

۵. نظام حاکمیت جهانی با شیوه سیاست گذاری و مدیریت ویژه اش که باعث کاهش قدرت دولت می شود، در حال ظهور است.
۶. این نظام پایه و اساس را برای ظهور دولت فراملی یا قدرت مسلط نظامی و قانون گذار فراهم می آورد.

کینچی اومایی یکی از شاخص ترین افرادی است که اعتقاد به نابودی دولت - ملت در فراگرد جهانی شدن اقتصاد دارد. او در نوشته هایش تحت عنوان «جهان بدون مرز»^۴ و پایان دوره دولت - ملت اعلام می کند که جهانی شدن همه چیز را تحت الشعاع خود قرار داده و ساختار دولت، ماهیت نظام اقتصادی و نهادهای جوامع را متحول کرده است. وی معتقد است که دولت - ملت ها، تقریباً در حال زوال و نابودی هستند. نظریات او، دولت شهرهای یونان باستان را در اذهان تداعی می کند. چرا که او پیش بینی می کند تقریباً تا ۳۰ سال دیگر ۱۰۰، ۲۰۰، ۳۰۰ دولت شهر جایگزین دولت - ملت های کنونی خواهد شد.

جهانی شدن دو نسبت عمده با فرهنگ ملی برقرار می کند. نخست با تشدید تکثرگرایی درونی، فرهنگ ملی را در آستانه تجزیه شدن قرار می دهد. سپس جهانی شدن با آغاز جهش دیالکتیکی به سوی حاکمیت فرهنگ جهان شمول، راه را برای ادغام فرهنگ های ملی، ذیل فرهنگی جهان شمول هموار کرده و آن را با گسترش واکنشها در اعتراض به این ادغام فرهنگی که به صورت جنبش های منطقه ای ظاهر می شوند، توأم می سازد. جهان شمولی یک فرهنگ به معنای نابودی و زوال مطلق سایر فرهنگ ها نیست بلکه به ضریبی از تأثیرگذاری کلان بر فرهنگ ملی (یا محلی) اطلاق می شود که بتواند باعث انحراف زاویه هنجارهای ارزشی آن شود.

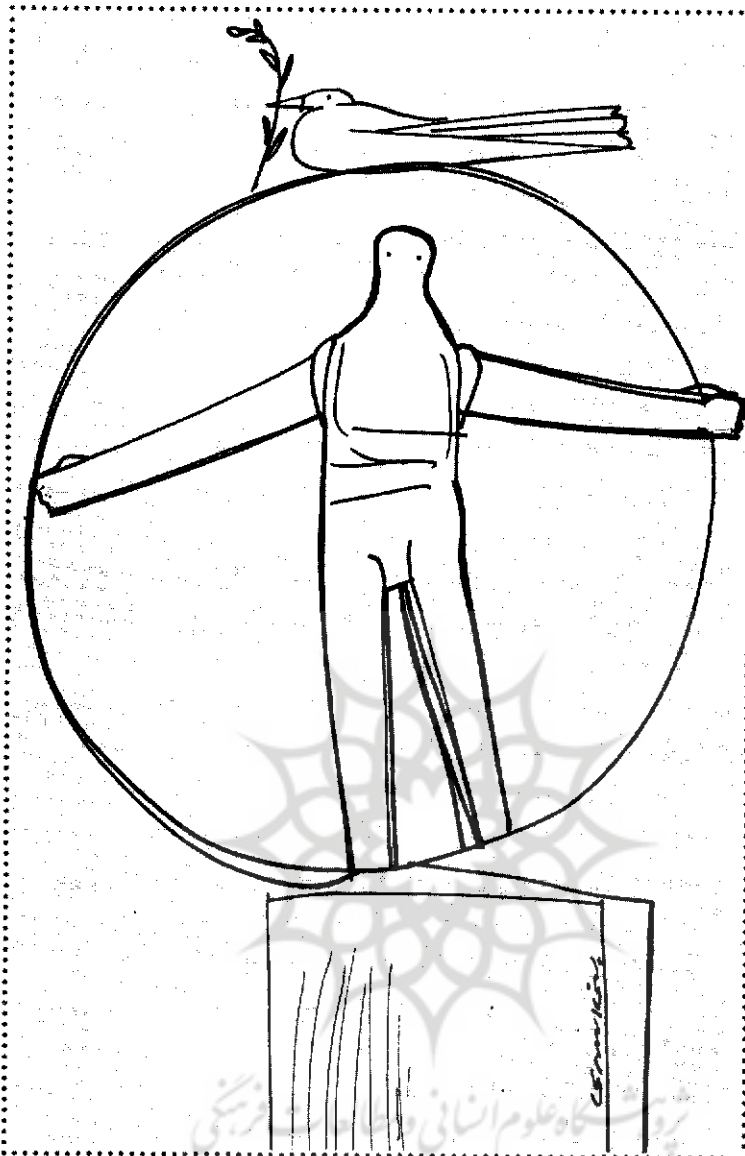
جهانی شدن علاوه بر موارد فوق، فرآیندهای آموزشی را نیز کاملاً متحول می سازد. به طوری که در سال ۱۹۹۸ دبیرخانه WTO گروهی را مأمور می سازد تا چشم اندازهای آموزش آزاد را بررسی کند. در گزارش این گروه، رشد سریع آموزش از راه دور و شمار فرآیندهای مشارکت بین مؤسسات آموزشی و شرکت های خصوصی - که دانشگاه فرمانداران غربی^۵ که به وسیله فرمانداران ۱۷ ایالت پایه گذاری شده تا شرکایی از بخش خصوصی مانند شرکت های IBM, INTERNATIONAL,

CISCO, MICROSOFT,

THOMSON ATST را در برمی گیرد خاطر نشان شده است. در این گزارش بر ضرورت جریان آزاد اطلاعات و حذف موانع لیبرالیزه کردن آموزش و پرورش تأکید شده است.

با این تفاسیر و با نگرش این گونه به جامعه آینده، یعنی جامعه اطلاعاتی، حال نوبت به

■ از آنجا که تحول جامعه اطلاعاتی منجر به تحولات گسترده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می شود، مسلماً حقوق شهروندان نیز با گذشته تفاوت خواهد داشت.



فرهنگ‌پرستی وابسته به مسائل جهانی شدن است. در وضعیتی که تجارت در خارج از مرزهای ملی به سهولت و راحت‌تر از داخل کشور صورت می‌پذیرد، سیاست و اقتصاد آن تابعی از مسائل سیاسی و اقتصادی کل دنیا است. کار در محیط‌های کاری مفهوم گذشته را ندارد و کار از راه دور و کار در خانه طرفداران بیشتری دارد. دولت‌ها روزبه‌روز در حال کوچک شدن هستند و وظایف به بخش‌های خصوصی و کوچک‌تر ارجاع می‌شود. آموزش دیگر تابع وضعیت اقلیمی، سیاسی و فرهنگی کشور نیست و ما با پدیده جهانی شدن آموزش و آموزش از راه دور مواجه هستیم. در این وضعیت پس تکلیف شهروندان

■ فناوری اطلاعات سطوح دسترسی انسان را افزایش می‌دهد و عملاً حوزه آزادی‌های فردی شهروندان را توسعه می‌دهد و مفهوم «شهروند سنتی» را به «شهروند الکترونی» مبدل می‌سازد.

شهروندان می‌رسد. از آنجا که تحول جامعه اطلاعاتی منجر به تحولات گسترده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌شود، مسلماً حقوق شهروندان نیز با گذشته تفاوت خواهد داشت. از ویژگی‌های بارز این عصر سرعت تولید گسترش اطلاعات و سرعت و سهولت دسترسی به حجم گسترده اطلاعاتی در اقصی نقاط دنیاست که همین عامل خود سرمنشأ تحولات بسیار گسترده‌تری است. حال در جامعه‌ای که اقتصاد، سیاست، حکومت و ... متأثر از اطلاعات و فناوری است؛ در جامعه‌ای که مرزهای ملی در هم نوردیده و سرمایه‌های ملی مفهوم گذشته را ندارد، ملیت و ملی‌گرایی و فرهنگ و

مالکیت مادی و معنوی و حقوق و وظایف شهروندی چیست؟

امروز ظهور و به کارگیری این تحولات و عجین شدن آن در امور زندگی، حقوق جدیدی را پیش روی افراد جامعه قرار داده است. مسلماً یکی از حقوق اصلی این شهروندان حق دسترسی به اطلاعات است. در واقع این حق، حق مسلم و طبیعی کل شهروندان در یک جامعه اطلاعاتی است. حق دسترسی به اطلاعات، خود منجر به ایجاد حق دیگری به نام حق استفاده از امکانات و ابزارهای فناوری اطلاعات را در بر دارد. زیرا دسترسی بدون وجود این ابزارها و روش‌ها میسر نخواهد بود. حق دسترسی به فناوری مستلزم وجود حق انکارناپذیر جست‌وجوی اطلاعات است. لذا یک شهروند بایستی به طور آزادانه به کاوش اطلاعات بپردازد و نیازمندی‌های اطلاعاتی خود را برآورده سازد.

از طرفی این حقوق جدید با وجود منافع بسیار به همراه خود چالش‌هایی را نیز ایجاد می‌کند. بنابراین همان‌طور که فناوری اطلاعات، حوزه حقوق شهروندی را متحول کرده و آن را عمق می‌بخشد، همزمان همین حوزه‌ها را با چالش مواجه می‌سازد.

تجارت الکترونی را در نظر بگیرید. طبق برآوردهای اولیه تا سال ۲۰۰۳ این نوع فعالیت، حجم بالایی را از سود نوید می‌دهد. این نوع تجارت نه تنها نظام سنتی خریدوفروش را متحول می‌سازد، بلکه نظام بانکی و پولی را نیز به سوی الکترونی شدن پیش می‌راند. این امر فرصت‌های جدیدی را پیش روی شهروندان قرار می‌دهد و دولت‌ها موظفند زمینه‌های قانونی لازم برای این امر را فراهم آورند. با این حال تهدیدها هنوز مترصد فرصت‌ها هستند. تحت شبکه قرار گرفتن نظام بانکی، همیشه این فرصت را در اختیار نفوذگران قرار می‌دهد که با عبور از حفاظ‌های امنیتی به شماره حساب‌های موجودیت‌ها دسترسی پیدا کرده و امکان جابه‌جایی آنها را بیابند. از این روی حقوق شهروندی به خطر می‌افتد و دولت بار دیگر موظف است از حقوق او دفاع کند. با این حال تهدید حقوق شهروندی را نباید به عنوان دستاویزی برای تحدید حضور فناوری اطلاعات در بخش‌های مختلف جامعه دانست. همان‌گونه که گسترش آزادی‌های فردی

در یک جامعه دموکراتیک همواره خطر سوءاستفاده دشمنان آزادی را به همراه دارد، با این حال این امر مانع تثبیت دموکراسی در آن جامعه نمی‌شود.

روابط شهروند - حکومت

با چنین تفاسیری، رابطه سنتی شهروند - حکومت دچار تحولی اساسی شده است. مفهوم شهروندی که ناشی از انقلاب کبیر فرانسه بود در پرتو فناوری اطلاعات دچار تحول شده و سطح دسترسی و حقوق بالقوه اجتماعی‌اش افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر مفهوم دولت - ملت که این امر نیز محصول انقلاب کبیر فرانسه بود در پرتو فناوری اطلاعات دستخوش تغییر شده و سطح اقتدارش کاهش می‌یابد. از این روی هر واسطی که بخواهد ارتباط شهروند و دولت را در پرتو فناوری اطلاعات تعریف کند، می‌بایست این افزایش و کاهش را در حوزه حقوق و اختیار شهروند و دولت مدنظر قرار دهد.

حال اگر دموکراسی را واسط شهروند و دولت تعریف کنیم که خود به عنوان تجربه موفق بشری به شمار می‌رود، دموکراسی الکترونی واسط میان شهروند الکترونی و دولت الکترونی است. به تعبیری بدون شهروند الکترونی نمی‌توان تصویری از دولت یا حکومت الکترونی داشت.

هر چند صحبت از دموکراسی الکترونی به ویژه در جوامعی که هنوز شکل حکومت‌ها به صورت حامی - پیرو یا شبان - رمگی است، زود به نظر می‌رسد و باید روح دموکراسی در فرهنگ اجتماعی و اخلاق آن در میان صاحبان قدرت رسوخ کند، با این حال دموکراسی الکترونی فاصله میان شهروند و دولت را کاهش داده و زمینه‌ساز انتقال سریع مطالبات ملت به دولت را فراهم می‌آورد. از این روی ساختار سازمانی که مطالبات را به سمت حصول اهداف راهنمایی می‌کند، دچار تغییر و تحول اساسی می‌شود. به عنوان مثال پارلمان‌تاریسم که تجلی اراده ملت است در پرتو فناوری اطلاعات می‌تواند به نوع مستقیم خود نزدیک شود.

نظارت بیشتر نیز یکی از مزایایی است که دموکراسی الکترونی در اختیار شهروند قرار می‌دهد و دولت را که تجلی

■ حق دسترسی به اطلاعات، خود منجر به ایجاد حق دیگری به نام حق استفاده از امکانات و ابزارهای فناوری اطلاعات را در بر دارد.

■ جهانی شدن همه چیز را تحت الشعاع خود قرار داده و ساختار دولت، ماهیت نظام اقتصادی و نهادهای جوامع را متحول کرده است.

اقتدار ملت است در برابر او پاسخگوتر می‌سازد.

نتیجه‌گیری

شهروندان از دیرباز در دو سطح حقوق اجتماعی و مسئولیت اجتماعی مطرح بوده‌اند که مسلماً این دو سطح در تعامل مستقیم با دولت‌ها بوده است. لذا در عرصه جدید این تعامل و ارتباطات دوسویه از قبیل آموزش، مشارکت سیاسی، فعالیت‌های اقتصادی و... تحت تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی خواهد بود و بیش از پیش دولت‌ها را در زمینه کنترل، هدایت، تعیین اختیارات و محدودیت‌ها، از یک سو و از سوی دیگر رعایت حقوق شهروندی و پاسخگویی به مطالبات بر حق آنها دچار چالش بزرگی کرده است. حال باید دید تکلیف شهروندان در جوامع گوناگون شمال

و جنوب به چه شکل خواهد بود. جوامع پیشرفته با بهره‌مندی از زیرساخت‌های مناسب، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های بهنگام، جذب نیروی انسانی ماهر از اقصی نقاط دنیا، سرمایه‌گذاری‌های کلان در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز تسهیل‌ساز و کارهای اجتماعی گامی عملی در تعریف و تدوین حقوق و مسئولیت‌ها و پیاده‌سازی چشم‌اندازهای توسعه برداشته‌اند. با این حال حتی کشورهای شمال نیز با جنبه‌های گوناگون، فرصت‌ها و تهدیدهایی که فناوری‌های نوین در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایجاد می‌کنند، مواجه هستند.

از طرفی پیش‌بینی‌ها یا تدابیر اتخاذ شده قادر به کنترل و نظارت بر جرایم رایانه‌ای که از سوی برخی شهروندان متخلف روی می‌دهد نیست. با این حال فعالیت‌ها در این زمینه همچنان ادامه دارد.

در کشورهای جنوب نیز که از دیرباز در برخورد با پدیده‌های مدرن هیچ‌گاه یکپارچگی و هم‌نوایی لازم را نداشته‌اند، مشکل دو چندان خواهد شد و موج برخاسته فناوری اطلاعات و ارتباطات، آنها را با چالش‌های جدیدتری مواجه می‌سازد. در پاره‌ای از این جوامع اساساً مفهوم شهروندی تبیین نشده است و حتی افراد از حقوق اولیه شهروندی نیز محروم هستند. در چنین جوامعی بیشتر روح فردی حاکم بوده و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات هنوز در مراحل ابتدایی به‌کارگیری است. هنوز بحث بر سر استفاده یا عدم استفاده مؤثر این ابزار از

■ فناوری اطلاعات می‌تواند فاصله سنتی میان حکومت و شهروندان را کاهش دهد و به این ترتیب امکان انتقال سریع خواسته‌ها و مطالبات اجتماعی شهروندان را به حاکمان فراهم سازد.

■ به نظر می‌رسد، ورود به عصر اطلاعات فرآیندی گریزناپذیر برای همه کشورها با هر ملیت، فرهنگ و خاستگاهی است و هر ملتی بنا به شرایط اولیه خویش از فرصت‌ها و تمهیدات پیش‌روی بهره‌مند خواهد شد.

موضوعات داغ روز است.

در نهایت به نظر می‌رسد، ورود به عصر اطلاعات فرآیندی گریزناپذیر برای همه کشورها با هر ملیت، فرهنگ و خاستگاهی است و هر ملتی بنا به شرایط اولیه خویش از فرصت‌ها و تمهیدات پیش‌روی بهره‌مند خواهد شد. □
این مقاله برای اولین بار در دومین سمینار میان‌منطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی- غربی و جامعه اطلاعاتی در شهریورماه ۱۳۸۲ ارائه شده است. نظر به اهمیت موضوع، رسانه اقدام به درج کامل مقاله می‌نماید.

پی‌نویس‌ها:

* E-Citizen

1. Globalization
2. Mac Ewan
3. Saskia Sassen
4. David Held
5. Borderless World
6. The End of the Nation State
7. Western Governors University

منابع و مأخذ

۱. آوینی، سیدمرتضی. آغازی بر یک پایان (مجموعه مقالات). انتشارات کانون فرهنگی، علمی و هنری ایشارگران. تهران، ۱۳۷۲.
2. Mac Ewan "A Globalization and Stagnation in Miliband" Socialist Register, no 30, 1990.
3. Kurgan, P. "Past and Prosective Causes of High Unemployment" Economic Review. 1996.
۴. واترز، مالکوم. جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، سیاوش مریدی. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹.
۵. اطلاعات سیاسی، اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، ش ۱۵۵ و ۱۵۶.
6. Held, D. "democracy, the Nation-State and the Global System" Cambridge. Polity Press.
۷. پیام یونسکو، اردیبهشت ۱۳۷۹.
۸. ثانی، رضا. زیرموج جهانی شدن، تهران. کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۲.
۹. هیل، مایکل. تأثیر اطلاعات بر جامعه: بررسی ماهیت، ارزش و کاربرد اطلاعات، ترجمه محسن نوکاری، تهران، نشرچاپار ۱۳۸۱.
۱۰. هانتینگتون، ساموئل. موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شمس، انتشارات روزنه ۱۳۷۳.